

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: 99/06/16

موضوع: نگاهی بر انگیزه پیغمبر اکرم در تکرار «حدیث ثقلین»!

برنامه حبل المتین

فهرست موضوعات این سخنرانی:

خلاصه مباحث گذشته در عوامل تأثیرگذار در شکل گیری حادثه عاشورا

موضوعی مهم برای تحقیق محققین!

امامزاده ای که جرئت نکرد به فرزندانش بگویم که شما سید هستید!!

این را همه بشنوند و شاهد باشند!!

نگاهی بر انگیزه رسول گرامی اسلام در تکرار «حدیث ثقلین»

پیام بسیار مهم و حیاتی «حدیث ثقلین» در منابع اهل سنت!

مراد از «علی بن الحسین» در «زیارت عاشورا» کیست!؟

حفظ و سربلندی اسلام، نتیجه قیام و شهادت امام حسین (سلام الله علیه)

بدانید که روزی شما را برای محاکمه، به ایران بخواهند گرداند!!

«امامت» و عصمت در آنها، اجباری است یا اختیاری!؟

حقایقی از نبرد امیرالمؤمنین با اصحاب جمل و صفین و نهروان!

مجری:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

یک جهان روزه و یک ماه محرم داری

آه آقای غریبم چقدر غم داری

تا ابد هم که بخوانند همه مرثیه‌ات

بازهم روزه ناخوانده به عالم داری

این همه زائر دلسوخته خاکت را

از ازل داشته‌ای تا به ابد هم داری

روزه خوان هات زیادند یکی‌شان قرآن

مطلع فجر خدا سوره مریم داری

بسم الله الرحمن الرحيم عرض سلام و ادب و احترام دارم خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبکه جهانی حضرت ولی عصر». الحمد لله این توفیق را داریم که امشب هم با برنامه «حبل المتین» مهمان دیدگان شما باشیم.

همانطور که مستحضرید از شب گذشته برنامه‌های زنده «شبکه جهانی حضرت ولی عصر» ان شاءالله رأس ساعت 9 آغاز و تا ساعت 10:30 ادامه پیدا می‌کند. برنامه‌های هفتگی و برنامه‌های زنده ان شاءالله به همین طریق و همین منوال ادامه پیدا می‌کند.

این توفیق را داریم که به رسم برنامه «حبل المتین» در خدمت استاد بزرگوار و ارجمند حضرت «آیت الله دکتر حسینی قزوینی» باشیم. سلام علیکم و رحمة الله؛

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ بنده هم خدمت همه بینندگان عزیز و گرامی که در هرکجای این کره خاکی بیننده این برنامه هستند و یا تکرار برنامه را می بینند، خالصانه ترین سلام را تقدیم می کنم و موفقیت بیش از پیش برای همه گرامیان از خداوند منان خواهانم.

### مجری:

حضرت استاد! ما جلسه پیش این توفیق را داشتیم که از محضر شما بسیار استفاده کردیم. سؤالات بسیار زیاد و مهمی هم بود که باقی ماند. ان شاءالله قصد داریم در این جلسه همین سؤالات را از محضرتان جویا شویم و پاسخشان را با گوش جان بشنویم.

یک توضیح مختصری برای عزیزانی که نبودند بفرمایید تا هم مروری شود و هم عزیزانی که در جریان نبودند مطلع شوند.

جلسه گذشته با این سؤال مهم و اساسی آغاز شد که چطور شد بعد از پنجاه سال، مردمی که خود را امت نبی گرامی اسلام می دانستند، کمر بر قتل نوه پیامبر امت خودشان بستند. همچنین چه عواملی باعث این جنایت شد.

خلاصه ای از مباحث جلسه گذشته بفرمایید تا ان شاءالله به سؤالات اساسی این جلسه برسیم.

خلاصه مباحث گذشته در عوامل تأثیرگذار در شکل گیری حادثه عاشورا

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله أفوض أمري إلى الله إن الله بصير بالعباد حسبنا الله و نعم الوكيل نعم المولى و نعم النصير ماشاء الله لا حول و لا قوة إلا بالله

ما در جلسه گذشته در رابطه با این سؤال حضرتعالی، اشاره کردیم به اینکه عوامل زیادی دست به دست هم داد تا این قضیه دردناک و جانکاه به وجود آمد که بعد از گذشت پنجاه سال از رحلت نبی گرامی اسلام، فرزند پیغمبر را با احادیث جعلی رسول اکرم به شهادت رساندند. به تعبیر بعضی از وهابیت:

« ان الحسين قتل بسيف جدّه »

حسین با شمشیر جدش کشته شد.

خلاصه عباقات الأنوار، نویسنده: السيد حامد النقوی، ج 4، ص 237

این قضیه بسیار دردناک است که بگویند به قصد جهاد فی سبیل الله، نوه رسول گرامی اسلام را کشتند!! ما عرض کردیم واقعه عاشورا عوامل زیادی دارد. بنده هفت مورد را برای بینندگان عزیز شمردم. مورد اول، «دوری از قرآن کریم» بود. همان افرادی که:

«حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار  
ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 4، ص  
1612، ح 4169

می‌گفتند، اعمال و رفتار و کردارشان با قرآن کریم تطبیق نکرد. نتیجه کنار زدن اهل بیت (علیهم السلام) برخلاف  
حدیث متواتر ثقلین، باعث چنین فاجعه‌ای شد.

رسول گرامی اسلام فرمودند: من دو امانت گرانبها در میان شما به یادگار می‌گذارم و در کنار حوض هم از شما  
بازخواست خواهم کرد که برخوردارتان با این دو امانت چه بوده است!؟

مورد دوم، «دور ساختن جامعه از سنت رسول گرامی اسلام» بود. صحابه، سنت رسول الله را تزییع کردند، به  
طوری که در کتاب «صحيح بخاری» روایتی از قول «أنس بن مالك» آمده است که وی گریه می‌کند و می‌گوید:

«لَا أَعْرِفُ شَيْئًا مِمَّا أَدْرَكْتُ إِلَّا هَذِهِ الصَّلَاةَ وَهَذِهِ الصَّلَاةُ قَدْ ضُيِّعَتْ»

همه چیزهایی که ما از سنت پیغمبر اکرم می‌دانستند را ضایع کردند، غیر از نماز، که این نماز هم ضایع  
شد!

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار  
ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 1، باب  
تَضْيِيعِ الصَّلَاةِ عَنْ وَقْتِهَا، ص 198، ح 507

«أنس بن مالك» که در سال 93 هجری از دنیا رفته است، ادعا می‌کند که حتی نماز را هم ضایع کردند.

همچنین «ابو درداء» متوفای سال 33 هجری است و در زمان خلافت حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) از  
دنیا رفته است. در کتاب «صحيح بخاری» وارد شده است که او می‌گوید:

«والله ما أَعْرِفُ من أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ شَيْئاً إِلَّا أَنَّهُمْ يَصَلُّونَ جَمِيعاً»

به خدا سوگند از امت محمد چیزی را نمی‌شناسم، جز اینکه با همدیگر نماز می‌خوانند.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 1، ص 232، ح 622

به گفته او، دیگر از سنت پیغمبر اکرم خبری نیست و این قضیه فاجعه است. من از همه عزیزان تقاضا دارم روی این قضیه کار کنند. اگر صدها مقاله در رابطه با برخورد امت با سنت رسول الله بعد از آن بزرگوار نوشته شود، بازهم زمینه تحقیق وجود دارد.

همچنین آقای «شافعی» رئیس مذهب شافعی و متوفای 204 هجری، کتابی به نام «الأم» دارد که کتاب فقهی آقایان اهل سنت است. ایشان در این کتاب، جلد اول صفحه 269 از قول «وهب بن کیسان» می‌گوید:

«كُلُّ سُنَنِ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قَدْ غُيِّرَتْ حَتَّى الصَّلَاةِ»

همه سنت پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را تغییر دادند، حتی نماز.

الأم، اسم المؤلف: محمد بن إدريس الشافعي أبو عبد الله، دار النشر: دار المعرفة - بيروت - 1393، الطبعة: الثانية، ج 1، ص 235، باب أَنْ يَبْدَأَ بِالصَّلَاةِ قَبْلَ الْخُطْبَةِ

آیا جامعه‌ای که در آن سنت پیغمبر اکرم را تغییر می‌دهند، به فرزند رسول الله رحم می‌کنند؟!

مورد سوم که باعث شد حادثه کربلا اتفاق بیفتد، این بود که تلاش کردند احادیث جعلی را به جای احادیث واقعی در میان مردم منتشر کنند.

«بخاری» می‌گوید: من کتاب «صحیح» خود را که دو هزار و اندی روایت دارد، از میان ششصد هزار روایت انتخاب کردم!! کتاب «صحیح بخاری» با ذکر مکررات، هفت هزار و اندی روایت و بدون مکررات دو هزار و اندی روایت دارد.

مورد چهارم که بسیار مهم است و جا دارد صدها کتاب و مقاله در این زمینه نوشته شود، «جایگزین کردن صحابه به جای اهل بیت» بود.

اهلبیتی که قرآن کریم به عصمت و خلافت و امامت آن بزرگواران تصریح دارد را کنار گذاشتند و به جای آن «صحابه» را نشانند و این فاجعه بود. مردم آن زمان:

### «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله وعترتی اهل بیتی»

المعجم الأوسط، اسم المؤلف: أبو القاسم سلیمان بن أحمد الطبرانی، دار النشر: دار الحرمین - القاهرة - 1415، تحقیق: طارق بن عوض الله بن محمد، عبد المحسن بن إبراهيم الحسینی، ج 4، ص 33، ح 3542

را کنار زدند و به جای آن «کتاب الله و اصحابی» را روی کار آوردند. آن‌ها همچنین در رابطه با صحابه یا خلفا، روایات جعلی فراوانی هم درست کردند.

بنده بارها در مناظراتی که با بزرگان وهابی و اهل سنت داشتم، گفتم: روایاتی که شما در صحاح خودتان در رابطه با فضیلت «ابوبکر» و «عمر» و «عثمان» آورده‌اید، ضروری‌ترین زمان مورد نیاز آنها در «سقیفه» بود.

در «سقیفه»، مهاجرین و انصار بر سر و کله همدیگر می‌کوبیدند. آن‌ها «سعد بن عباد» را زیر دست و پا له کردند و می‌گفتند:

«قتل الله سعدا»

المصنف، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الرزاق بن همام الصنعاني، دار النشر: المكتب الإسلامي - بيروت -

1403، الطبعة: الثانية، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمي، ج 5، ص 444، ح 9758

آن‌ها همچنین بینی «حباب بن منذر» را با مشتی له کردند، دست و پای «ابوذر» را شکستند و «سلمان» را از مسجد بیرون انداختند.

اگر آن زمان چند مورد از این روایات را از پیغمبر اکرم نقل می‌کردند، مسئله تمام می‌شد. آن زمان که مردم هنوز تابع پیغمبر اکرم بودند و فاصله‌ای از شهادت رسول گرامی اسلام نگذشته بود، چند مورد از این روایات را نقل می‌کردند، مسئله تمام می‌شد.

اگر چند مورد از این روایات، آن موقع نقل می‌شد، مردم می‌گفتند که «ابوبکر» و «عمر» این همه فضائل دارند و لذا تسلیم می‌شدند.

همچنین در طول دو سال خلافت «ابوبکر»، او چرا یک مورد از این روایات را بالای منبر برای مردم نخواند؟! خلیفه دوم در طول دوازده سال خلافت خود، چرا یک مورد از این روایات را برای مردم بیان نکرد؟!

ولی وقتی نوبت به امیرالمؤمنین رسید، حضرت در طول پنج سال خلافت خود، هیچ منبری نرفت مگر اینکه فضائل خود را برای مردم مطرح فرمود.

در قضیه شورای شش نفره، امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) نزدیک به هشتاد فضیلت خود را مطرح فرمود به طوری که تمام آن پنج نفر قسم یاد کردند که این فضائل واقعی است.

این قضایا همانند آفتاب واضح و روشن است و انسان نمی‌تواند آن را انکار کند. بحث شیعه و سنی نیست، بلکه بحث یک سر سوزن انصاف و وجدان است!



مورد پنجم این بود که آنها تنها به کنار زدن اهل بیت هم اکتفا نکردند، بلکه سب و لعن اهل بیت را در منابع رواج دادند. در خطبه‌های نماز جمعه سب و لعن امیرالمؤمنین رواج پیدا کرد.

در کتاب «تهذیب الکمال» اثر «مزی»، «تهذیب التهذیب» اثر «ابن حجر عسقلانی» و «سیر أعلام النبلاء» وارد شده است:

«كانت بنو أمية إذا سمعوا بمولود اسمه علي قتلوه»

سیر أعلام النبلاء، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی أبو عبد الله، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بیروت - 1413، الطبعة: التاسعة، تحقیق: شعیب الأرنؤوط، محمد نعیم العرقسوسی، ج 7، ص 413، شماره 154

اگر نوزادی با نام علی نامگذاری می‌شد، دودمان نحس بنی امیه، او را می‌کشتند. ما این قضایا را مفصل عرض خواهیم کرد. چنین جوی درست کردند. در روایات آمده است یکی از صحابه پدر خود را لعنت می‌کرد، زیرا نام او را علی گذاشته بود!!

مردم آن زمان از نام «علی» متنفر بودند. نتیجه چنین جامعه‌ای، قطعاً شهادت جانسوز حضرت سیدالشهداء (سلام الله علیه) است.

مورد ششم قتل و نابودی شیعیان و مدافعین ولایت بود. آنها را قلع و قمع می‌کردند که این خود دنیایی دارد. ان شاء الله اگر به این موارد رسیدیم، مصادیقی را بیان خواهیم کرد.

بنده از امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه زهرا و حضرت ولی عصر معذرت می‌خواهم، اما باید بگویم که ما در این زمینه کوتاه آمدیم.

ما در طول این مدت که با مردم ارتباط داشتیم، مخصوصاً در این موضوع و درباره جنایاتی که این افراد به شیعیان و مدافعین ولایت کردند، به قدر کافی صحبت نکردیم.

### موضوعی مهم برای تحقیق محققین!

مردم، جنایاتی که «بنی امیه» به امام حسین و اهل بیت کردند را خیلی شنیده‌اند، اما در خصوص اینکه با مدافعین ولایت چکار کردند را کم گفتیم. بنده در رسانه‌ها کم می‌بینم در این خصوص صحبت کنند و در این زمینه هم کسی کار نکرده است.

تنها یکی از دوستان ما در این زمینه کتابی نوشته بود که فایل آن را برای من فرستاد. من دیدم که او واقعاً در این زمینه خوب کار کرده است. البته جای کار زیاد دارد و باید ده‌ها کتاب و رساله ارشد و دکتری در این زمینه کار شود.

باید مشخص شود که یزیدیان با مدافعین ولایت چکار کردند. از روزی که «معاویه» در رأس کار قرار گرفت، با شیعیان و کسانی که از «علی بن ابی طالب» و اهل بیت دفاع می‌کردند چکار کرد.

باید بیان شود «معاویه» چطور مدافعین ولایت را قلع و قمع کرد، چطور خانه‌هایشان را بر سرشان ویران کرد و چه انسان‌های بیگانه‌ای را مظلومانه کشت و سرشان را شهر به شهر چرخاند!!

### امامزاده ای که جرئت نکرد به فرزندانش بگویم که شما سید هستید!!

چه بسیار انسان‌های بیگانه‌ای بودند که شهر به شهر آواره بودند و جرئت نمی‌کردند بگویند ما فرزند حضرت فاطمه زهرا هستیم.

شخصی به نام «یحیی بن زید» در «مازندران» دفن است و ما هم به زیارت ایشان رفتیم. بنده وقتی زندگینامه ایشان را می‌خوانم بسیار برایم دردآور است. ایشان شتری داشت و از طریق آب آوردن با آن شتر برای مردم، امرار معاش می‌کرد.

ایشان یک دوستی داشت که در آخرین لحظه زندگی، وقتی داشت برای او وصیت می‌کرد، بسیار گریه کرد. او در آخرین لحظه به دوستش گفت: من برای مرگ و قیامت گریه نمی‌کنم، زیرا مطمئن هستم که اهل بیت دست مرا می‌گیرند.

گریه من از این جهت است که فرزندان من، ندانستند که فرزند حضرت فاطمه زهرا هستند. من جرئت نکردم به فرزندانم بگویم که شما سید و فرزند حضرت فاطمه زهرا هستید!!

یزیدیان چنین خفقانی در جامعه به راه انداخته بودند. بنده با امام حسین و امام زمان (ارواحنا فداه) عهد و پیمان می‌بندم و به بینندگان عزیز قول می‌دهم ان شاء الله چندین جلسه در رابطه با جنایاتی که به مدافعین و مجاهدین مسیر ولایت شد صحبت کنم.

مردم ما باید قدری روشن شوند. شبکه ما سیاسی نیست، اما بارها به آقایانی که نق می‌زنند که چرا نیروهای شما در «عراق» و «لبنان» و «سوریه» هستند زک گفتم: اگر تدبیر مدبرانه و عالمانه رهبری نبود و این نیروهای ما در «عراق» و «سوریه» نبودند و داعش به اینجا آمده بود، اهل و عیال شما هر روز با داعشی‌ها جهاد نکاح می‌کردند!!!

این افراد در سوریه و عراق همین کار را انجام دادند. فیلم‌هایی که خودشان منتشر کردند را مشاهده کنید.

اگر ما دین نداشته باشیم، اسلام را قبول نداشته باشیم، انقلاب را هم قبول نداشته باشیم، تنها به عنوان یک انسان غیرتمند باشیم، باید قدر نظام و تصمیمات مدبرانه رهبری و عزیزان ما که الآن هم، در عراق و سوریه هستند و دفاع جانانه می‌کنند را بدانیم.

چند روز پیش یکی از دوستان برای من کلیپی فرستاده بود. آخر شب بود، وقتی این کلیپ را گوش کردم خیلی گریه کردم. ایشان می‌گفت: تعدادی از مدافعین حرم باهم نشسته بودند و قرار شد هرکدام از آنها خاطره‌ای نقل کند. هرکدام خاطره‌ای نقل کردند و از «سردار شهید سلیمانی» هم مطالبی نقل کردند.

متأسفانه امروز صبح دیدم یکی از درویش پست و رذل می‌گفت: «شهید سلیمانی» شهید نیست، شهید، تنها اقطاب ما هستند. آن‌ها تنها به مقام شهود رسیدند.

ایشان نقل می‌کرد که هرکدام از مدافعین حرم خاطره‌ای نقل کردند. وقتی نوبت به یکی از مدافعین که یکی دو ماه بود به آنجا آمده بود رسید، او گفت: من تازه آمدم و خاطره‌ای ندارم، اما دیشب خوابی دیدم.

او خواب خود را تعریف کرد و گفت: من دیشب در خواب دیدم که وارد حرم حضرت زینب شدم. حضرت زینب کاغذی به من داد. من از آن بزرگوار پرسیدم: کاغذ چیست؟

حضرت زینب فرمود: این‌ها اسامی کسانی است که دارند از حرم من دفاع می‌کنند. من دیدم که اسم «شهید سردار سلیمانی» هم در آنجاست.

جلسه خیلی منقلب شد و همه به گریه افتادند. این جوان حق‌ها حق به گریه افتاد. وقتی علت گریه او را از او پرسیدند، او گفت: وقتی حضرت زینب این برگه را به دست من داد، با صدای بلند شروع به گریه کرد.

من از حضرت زینب علت گریه ایشان را پرسیدم و حضرت فرمود: من برای این گریه می‌کنم که مدافعین حرم من، در کربلا کجا بودند! ای کاش مدافعین حرم من، در کربلا بودند تا نمی‌گذاشتند عزیزان ما را با آن وضع فجیع به شهادت برسانند و ما را با ذلت به اسارت ببرند!!

## این را همه بشنوند و شاهد باشند!!

من خدا را شاکرم و یکی از توفیقات بزرگی که خداوند به بنده داد، این بود که در این یکی دو سال اخیر که قدری سرمان شلوغ بود به خاطر این بود که توانستیم برای تیپ «فاطمیون» و «زینیون»، تعدادی مسکن تهیه کنیم.

بنده برای تعدادی از عزیزان از «افغانستان» و «پاکستان» که به درجه شهادت نائل شدند و خانواده‌هایشان مسکن و سرپناهی نداشتند، به یاری دوستانی از خارج از کشور که ما را قبول دارند و مبالغی در اختیار ما قرار دادند، هفتاد منزل مسکونی تهیه کردیم.

این عزیزان سرپناه واقعی خود را از دست داده بودند و ما سرپناه کوچکی برایشان تهیه کردیم و آنها را سروسامان دادیم.

قرار بود دولت به این خانواده‌ها شناسنامه بدهد تا این منازل به نام این خانواده‌ها شود. بنده عرض می‌کنم و همه مردم هم شاهد باشند که خانه‌های هشتاد خانواده‌ای که ساکن این منازل هستند، سندها به ظاهر به نام من است اما در واقع ملک آنهاست.

اگر اتفاقی هم برای بنده بیفتد، فرزندان و خویشاوندان و وراث من، حقی در این خانه‌ها ندارند. این اعترافی است که بنده می‌کنم و تمام مردم می‌شنوند. بنده از دوستان اتاق فرمان تقاضا دارم این گفته بنده را به صورت یک «کلیپ» نگهدارند.

ما بیش از بیست باب منزل مسکونی تهیه کردیم و هفتاد و اندی نفر ساکن آن هستند که ملک آنهاست. طریقه سهم منزل هم برمبنای قرآن است یعنی همسر شهید یک هشتم، پسرها دو برابر و دخترها نصف سهم پسرها، سهم می‌برند.

ما به قوانین بنیاد شهید احترام می‌گذاریم، اما کاری با قوانین آنجا نداریم. بنده این تعداد خانه را برای خانواده‌های شهدا گرفتم.

«سردار سلامی» بزرگواری کرده بودند و لوح تقدیری برای بنده تهیه کرده بودند، اما ما این کار را وظیفه خود می‌دانیم. همانطور که وقتی بنده نماز می‌خوانم، کسی از من تشکر نمی‌کند.

ایشان بزرگواری کرده بودند لوح تقدیری تهیه کرده بودند و جناب «سردار شریفی» را به اینجا فرستاده بودند. من به ایشان پیام دادم: من شبی راحت می‌خوابم که یک نفر از خانواده‌های شهدای «فاطمیون» و «زینبیون» در تمامی ایران مستأجر نباشد!!

من به این افراد قول دادم که هرگاه شناسنامه‌های این افراد که دستور رهبری است و شورای امنیت ملی هم در تاریخ 1385/05/05 آن را تصویب کرده است درست شد، ما این منازل مسکونی را به نام آنها خواهیم زد. البته بنده شنیدم که به حدود هفتصد نفر شناسنامه داده‌اند. قرار است شناسنامه‌ها تنظیم شود و سندها به نام این افراد بشود.

آن زمان که نزدیک عید بود ما اعلام کردیم که حاضریم پنجاه واحد برای این خانواده‌ها بخریم، اما به شرطی که به نام خودشان شود. طوری نباشد که دولت فردا بگوید این همه خانه به نام آقای قزوینی است و ایشان چکاره بوده است!؟

همه مردم و منصوبین من شاهد باشند خانه‌هایی که این عزیزان در آن نشسته‌اند، همگی ملک خانواده‌های «فاطمیون» و «زینبیون» هست و وراثت و فرزندان ما هم حقی در این خانه‌ها ندارند.

بنده دوست داشتم که فرصتی پیش بیاید تا این قضیه را در یک شبکه جهانی اعلام کنم که ثبت شود و بماند.

یکی از آرزوهای ما این است که ان شاءالله بتوانیم همه این خانواده‌ها را صاحب خانه کنیم. گاهی اوقات که بنده می‌روم و این خانواده‌ها را می‌بینم، خدا می‌داند قلبم به درد می‌آید.

یکی از بهترین افطاری‌هایی که داشتم، این بود که سال گذشته که بیماری کرونا نبود خانواده‌های محترم شهدا را به منزل خودمان دعوت کردیم و فرزندان و خانواده‌های شهدا به منزل ما آمده بودند.

بنده در طول عمرم لذتی بالاتر از آنکه کنار این خانواده‌ها نشستم و افطاری خوردم، نبرده بودم. شهدای این خانواده‌ها صاحب نعمت ما هستند. اگر در آن زمان این شهدا برای دفاع از حرم حضرت زینب نمی‌رفتند، معلوم نبود که زن و فرزند من چه سرنوشتی داشتند.

بحث انقلاب و اسلام و ایرانی بودن را کنار بگذاریم. هر انسانی که تنها ذره‌ای غیرت داشته باشد، باید قدر این شهدا را بداند. این شهدا برای دفاع از اهل بیت رفتند، خونشان را دادند که امروز خانواده‌های ما در امنیت هستند.

بنده شبی برنامه داشتم. شخصی از عراق زنگ زد و مطالبی گفت که خدا می‌داند هنوز هم از بازگو کردن آن حال خراب می‌شود.

او شروع به صحبت کرد و گفت: الآن نزدیک به سه ماه است که داعشی‌ها همسر، دختر و عروس مرا بردند و نمی‌دانم چه سرنوشتی دارند. او دیگر نتوانست حرف بزند و شروع به گریه کردن کرد.

داعشی‌ها علیه ما برنامه‌ها داشتند، برای نوامیس ما برنامه‌ها داشتند، برای دین ما برنامه‌ها داشتند، برای مذهب ما برنامه‌ها داشتند.

عزیزان شهدای مدافع حرم، به «سوریه» رفتند و فداکاری کردند. مقامشان عالی است، اما ان شاءالله خداوند به حق حضرت فاطمه زهرا مقامشان را متعالی بگرداند.

همچنین از خداوند می‌خواهیم که ما را هم از شفاعت همه شهدا به ویژه شهدای مدافعین حرم که به تعبیر مقام معظم رهبری یک سروگردن از دیگر شهدا بالاتر هستند، بهره مند بگرداند.

این شهدا چنان مقامی دارند که حضرت زینب برایشان گریه می‌کند و می‌فرماید که این شهدا در کربلا کجا بودند!؟

در هر صورت ششمین موردی که باعث شد حادثه کربلا اتفاق بیفتد، بحث قتل و نابودی شیعیان و مدافعین ولایت بود.

مورد هفتم جایگزین کردن «فسق» به جای «تقوا» و نشستن «فساق» به جای «متقین» بود که شامل «بنی امیه» و «بنی عباس» می‌شود. شاعر می‌گوید:

«یا لیت جور بنی مروان عاد لنا \* وان عدل بنی العباس فی النار»

ای کاش جنایات بنی مروان ادامه پیدا می‌کرد و عدالتی که بنی عباس از آن دم می‌زدند روی کار نمی‌آمد.

أنساب الأشراف، اسم المؤلف: أحمد بن يحيى بن جابر البلاذري (المتوفى : 279هـ)، ج2، ص 12

به قول معروف "سگ زرد برادر شغال است!" هردوی این حکومت‌ها در حق اهل بیت و اسلام و رسول اکرم جنایت کردند.

ما در جلسه گذشته این مباحث را بیان کردیم، سپس «حدیث ثقلین» را از کتاب‌های اهل سنت بیان کردیم. قرار بود شما سؤالی مطرح کنید که باقی ماند. بنده در خدمت شما هستم.



## مجری:

سلامت باشید، خیلی استفاده کردیم. الحمدلله مطالب گذشته مرور شد، اما تمامی این مطالب هم برای بنده و هم برای همه بینندگان تازگی و جذابیت خود را داشت و بسیار از محضرتان استفاده کردیم. فرصتی می‌گیریم و برمی‌گردیم در خدمت شما هستیم.

سلام مجدد عرض می‌کنم خدمت همه شما بینندگان «شبکه جهانی حضرت ولی عصر». در برنامه «حبل المتین» مهمان دیدگان پرفروغ شما هستیم.

الحمدلله بسیار بهره بردیم و استفاده کردیم از محضر استاد «دکتر حسینی قزوینی» و نکاتی که فرمودند در قالب مرور بود، اما همانطور که عرض کردم تک تک این نکات جای درس گرفتن داشت.

الحمدلله بابی که فرمودند هم مفتوح است. بتوانیم به خانواده‌های شهدای فاطمیون عنایتی کنیم تا از مضیقه‌ای که هستند خارج شوند و قدری سروسامان بگیرند.

الحمدلله حاج آقا شروع کار را به صورت مفصل زدند و فکر نمی‌کنم ابایی باشد که اگر کمکی از جانب بینندگان عزیز که این شبکه را مشاهده می‌کنند و پیروان حضرت علی بن ابی طالب و «حجر بن عدی‌ها» هستند، باشد و اگر خواستند کمکی داشته باشند.

## آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ما در خدمتشان هستیم. الحمدلله دوستان ما بارها اعلام کردند که اگر سندها به نام این افراد منتقل شود، ما کار را ادامه می‌دهیم.

الحمد لله رب العالمين ما بانی داریم. ما حداقل برای پنجاه واحد، بانی آماده داریم؛ اما شرط آن این است که ابتدا خانه‌ها به نام این خانواده‌ها منتقل شود، سپس کار را ادامه دهیم. بنده هم اعلام کردم تا این خانه‌ها منتقل نشود، نمی‌توانیم کار را ادامه دهیم.

البته در اینجا اعتراف می‌کنم که بنده خودم در زیر آسمان کبود و در کره زمین، فقط یک خانه چهاردانگی در منطقه «دورشهر» به نام خودم دارم که ملک بنده است. غیر از این چهاردانگ خانه ملکی، در کره زمین چه داخل کشور و چه خارج از کشور، مطلقاً ملکی و خانه ای ندارم.

### مجری:

الحمد لله تمامی خیرات جنابعالی جاودانه مانده اند. خیلی از محضر شما تشکر می‌کنیم. اگر بخواهیم به بحث خودمان بپردازیم، شما به هفت موضوعی اشاره فرمودید که عوامل اصلی به شهادت رسیدن حضرت ابا عبدالله (علیه السلام) بود.

حضرتعالی در بسیاری از این موارد به صورت اصلی و ضمنی به ترک «حدیث ثقلین» اشاره کردید و بیان فرمودید که این عوامل باعث شد که جنایت عاشورا رخ دهد.

الحمد لله در جلسه گذشته مستدل و مستند در همان تک تک کتبی که می‌آوردید و بینندگان هم تک تک آنها را می‌دیدند، دیدیم که در منابع روایی اهل سنت، الی ماشاءالله به مناسبت‌های مختلف، این قضیه نقل شده است.

### نگاهی بر انگیزه رسول گرامی اسلام در تکرار «حدیث ثقلین»

حال این سؤال پیش می‌آید که رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) چه داعی و چه انگیزه‌ای داشتند که این «حدیث ثقلین» را بارها و بارها طبق فرمایش شما در منابع مختلف و با الفاظ مختلف ذکر فرمودند و عنایت خاصی بر این مطلب بوده است.

## آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) بیست و سه سال تمام تلاش خود را به کار بردند و تمام مشقت‌های طاقت فرسا را به کار بردند تا این اسلام را احیا کنند و بت پرستی‌ها و زنده به گور کردن دختران و آثار جاهلیت را از بین ببرند.

حضرت می‌خواستند زحماتی که در بیست و سه سال کشیده شد، هدر نرود. باید کسی باشد که همانند خود رسول الله و با ویژگی‌هایی که حضرت داشتند و برخوردار از عصمت هستند، راه حضرت را در پیش گیرند.

وقتی خلیفه، معصوم نباشد، هوای نفس و رانت خواری‌ها و فرزند و فامیل بازی‌ها شروع می‌شود. این مسئله در تاریخ ثبت شده است. ملاحظه کنید تمام ملوک از ایام قدیم تا عصر حاضر، هرکسی روی کار می‌آمد، این بحث‌ها را ادامه می‌داد.

تا زمانی که حاکم اسلامی از عصمت برخوردار نباشد، نمی‌تواند در جامعه عدالت را پیاده کند. لذا رسول گرامی اسلام ثقلینی که طبق آیه «مباهله» و آیه «تطهیر» برخوردار از عصمت هستند را عدل قرآن کریم قرار داد. حضرت به مردم اعلام فرمود همان گونه که قرآن کریم:

**(لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ)**

که هیچگونه باطلی، نه از پیش رو و نه از پشت سر، به سراغ آن نمی‌آید.

**سوره فصلت (41): آیه 42**

اهلیت من هم باطلی در کنارشان نیست. همانطور که قرآن کریم خطا ندارد، اهلیت من هم خطا ندارد. همانطور که قرآن اشتباه ندارد و امر باطلی در آن وجود ندارد و از هر اشتباه و خطا مصون است، اهلیت من هم اینچنین هستند.

بنابراین روی این جهت، حضرت نه یک مرتبه یا دو مرتبه، بلکه بارها به این قضیه اشاره فرمود. در کتاب «الصواعق المحرقة» اثر «ابن حجر هیثمی» وارد شده است:

«والحاصل أن الحث وقع على التمسك بالكتاب وبالسنة وبالعلماء بهما من أهل البيت ويستفاد من مجموع ذلك بقاء الأمور الثلاثة إلى قيام الساعة»

سپس می نویسد:

«ثم اعلم أن لحديث التمسك بذلك طرقا كثيرة وردت عن نيف وعشرين صحابيا»

حدیث ثقلین سندهای متعددی دارد و بیش از بیست تن از صحابه آن را نقل کرده‌اند.

«وفى بعض تلك الطرق انه قال ذلك بحجة الوداع بعرفة»

زمانی که از حجة الوداع برمی گشت در عرفه حدیث ثقلین را مطرح فرمود.

«وفى أخرى أنه قاله بالمدينة فى مرضه وقد امتلأت الحجرة بأصحابه»

پیغمبر در مدینه در آخرین لحظه‌ای که از دنیا می‌رفت حدیث ثقلین را مطرح کرد، در حالی که حجره حضرت مملو از صحابه بود.

«وفى أخرى أنه قال ذلك بغدير خم»

حضرت در حدیث غدیر هم حدیث ثقلین را مطرح فرمود.

«وفى أخرى أنه قاله لما قام خطيبا بعد انصرافه من الطائف كما مر»

زمانی که حضرت از سفر طائف برگشت، حدیث ثقلین را مطرح فرمود.

الصواعق المحرقة على أهل الرفض والضلال والزندقة، اسم المؤلف: أبو العباس أحمد بن محمد بن علي  
ابن حجر الهيتمي، دار النشر: مؤسسة الرسالة - لبنان - 1417 هـ - 1997 م، الطبعة: الأولى، تحقيق:  
عبد الرحمن بن عبد الله التركي - كامل محمد الخراط، ج 2، ص 439 و 440 الفصل الأول في الآيات  
الواردة فيهم

مشاهده کنید این روایت نشانگر این است که رسول گرامی اسلام عنایت ویژه‌ای به حدیث ثقلین داشت که در  
هر فرصتی این حدیث شریف را مطرح می‌فرمود.

ایشان به ذکر همین چند مورد بسنده کرده است، حال آنکه ما موارد متعدد دیگری داریم که رسول اکرم  
«حدیث ثقلین» را مطرح می‌کند.

آنچه می‌تواند اسلام را از تحریف ضمانت کند، کتاب خداست و اهل‌بیتی که مبین و مفسر کتاب هستند. آن  
بزرگواران کتاب و قرآن ناطق هستند. در غیر این صورت این صیانت از شریعت، امکان پذیر نیست.

آقای «البانی» در تحقیق کتاب «صحيح سنن ترمذی» جلد هشتم صفحه 286 در این رابطه می‌نویسد:

**« عن جابر بن عبد الله قال: رأيت رسول الله في حجة يوم عرفة وهو على ناقته القصواء يخطب »**

پیغمبر اکرم در روز عرفه بر ناقه قصواء سوار شده بود و خطبه می‌خواند.

**« فسمعه يقول يا أيها الناس إني قد تركت فيكم ما إن أخذتم به لن تضلوا »**

من شنیدم که پیغمبر فرمود: ای مردم! من چیزی در میان شما می‌گذارم که اگر به آن تمسک کنید،  
هرگز گمراه نمی‌شوید.

«لن» که در این روایت به کار رفته است، دلالت بر «نفی ابد» می‌کند. این بدان معناست که اگر به آن تمسک  
نکردید، قطعاً گمراه خواهید شد.

کدام گمراهی بالاتر از اینکه بعد از پنجاه سال از رحلت پیامبر، فرزند پیغمبر اکرم را با آن وضع فجیع به شهادت برسانند و عزیزان رسول الله را شهر به شهر و دیار به دیار به اسارت ببرند؟! آیا گمراهی بالاتر از این می شود؟! آن دو مورد کدام است که تمسک به آنها مانع گمراهی می شود؟ فرمود:

«کتاب الله وعترتی أهل بیتی»

کتاب خدا و عترت و اهل بیت من.

خود «ترمذی» در مورد سند روایت می نویسد:

«وهذا حدیث حسن»

و «البانی» هم در ذیل روایت می نویسد:

«تحقیق الألبانی: صحیح»

صحیح وضعیف سنن الترمذی، المؤلف: محمد ناصر الدین الألبانی (المتوفی: 1420 هـ)، مصدر الكتاب: برنامج منظومة التحقیقات الحدیثية - المجانی - من إنتاج مركز نور الإسلام لأبحاث القرآن والسنة بالإسكندرية، ج 8، ص 286، ح 3786

این حدیث مربوط به روز «عرفه» بود، اما ایشان بازهم از قول «زید بن أرقم» در خصوص روز «غدیرخم» می نویسد:

«إني تارك فيكم ما إن تمسكتم به لن تضلوا بعدى أحدهما أعظم من الآخر كتاب الله حبل ممدود من السماء إلى الأرض وعترتی أهل بیتی ولن يتفرقا حتى يردا على الحوض»

صحيح وضعيف سنن الترمذى، المؤلف: محمد ناصر الدين الألبانى (المتوفى: 1420 هـ)، مصدر  
الكتاب: برنامج منظومة التحقيقات الحديثية - المجانى - من إنتاج مركز نور الإسلام لأبحاث القرآن  
والسنة بالإسكندرية، ج 8، ص 288، ح 3788

دوستان بگردند و ببينند رسول اكرم واژه «لن تزلوا» را غير از قضيه «كتاب الله و اهل بيتى» در كجا با «لن»  
نفى ابد به كار برده است.

جالب اينجاست كه جناب «ابن عبد ربه» در كتاب «عقد الفريد» مى گويد: رسول اكرم غير از «عرفه» و «غدير» و  
«طائف» و آخرين لحظه رحلتشان، در روز «اضحى» يا «عيد قربان» نيز، اين روايت را فرموده است:

**«تركت فيكم ما إن أخذتم به لم تزلوا بعده كتاب الله وأهل بيتى ألا هل بلغت اللهم اشهد»**

العقد الفريد، اسم المؤلف: احمد بن محمد بن عبد ربه الأندلسى، دار النشر: دار إحياء التراث العربى -  
بيروت / لبنان - 1420 هـ - 1999 م، الطبعة: الثالثة، ج 4، ص 55، باب خطبة رسول الله فى حجة  
الوداع

رسول گرامى اسلام در اين روايت فرمود: خدايا تو شاهد باش كه من حرف نهايى را به اين مردم زدم.

رسول اكرم در موارد متعدد اين قضيه را مطرح مى فرمايد به خاطر اينكه حجت بر همگان تمام شود و فرداى  
قيامت نگويند ما نشنيديم!

پيغمبر اكرم در راه بازگشت از «طائف»، «غدير خم»، «عيد اضحى»، «روز عرفه» كه همه مردم شاهد هستند،  
اين قضيه را مطرح مى فرمايد. آن حضرت به اين هم اكتفا نمى كند و در آخرين لحظه اى كه مى خواهد از دنيا  
برود، باز هم مى فرمايد:

**«كتاب الله وعترتى أهل بيتى»**

## پیام بسیار مهم و حیاتی «حدیث ثقلین» در منابع اهل سنت!

جالب اینجاست که ما یک سری روایاتی داریم که این روایات، خیلی پیام دارد. در کتاب «معجم الکبیر» اثر «طبرانی» متوفای 360 هجری، روایت دیگری وارد شده است.

ایشان صد سال عمر کرده است. او سال 260 هجری به دنیا آمده و سال 360 هجری از دنیا رفته است و معاصر «شیخ صدوق» (رضوان الله تعالی علیه) بود.

ایشان در جلد پنجم این کتاب می‌نویسد که وقتی حضرت، «حدیث ثقلین» را مطرح می‌فرماید، ابتدا کتاب خدا و عترت خود را یاد می‌کند و سپس می‌فرماید:

**«فَلَا تَقْدُمُوهُمَا فَتَهْلِكُوا»**

از آنها جلو نیفتید که هلاکت خواهید شد.

مثل یک سری افرادی همانند بعضی از «دراویش» که غلو کردند و نسبت به اهل بیت (علیهم السلام) ادعای الوهیت کردند. بعد فرمود:

**«وَلَا تَقْضُوا عَنْهُمَا فَتَهْلِكُوا»**

از آنها عقب هم نمانید که هلاک خواهید شد.

حضرت به صراحت فرمودند: با اهل بیت من، برابر باشید و پا جای پای آنها بگذارید.

**«وَلَا تَعْلَمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ»**

به آنها چیزی یاد ندهید که آنها از شما عالم‌تر هستند.



مگر ممکن است کسی که جاهل است به عالم چیزی یاد دهد؟! مگر ممکن است عالم به اعلم چیزی یاد دهد؟! پیغمبر اکرم بعد از این دست امیرالمؤمنین را گرفتند و فرمودند:

«من كنت أُولَىٰ بِهِ من نَفْسِي فَعَلِي وَوَلِيَهُ»

هرکسی ولایت من بر او از خود او قوی‌تر است، علی هم ولی امر اوست.

«اللَّهُمَّ وَالٍ من وَالَاهُ وَعَادٍ من عَادَاهُ»

المعجم الكبير، اسم المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني، دار النشر: مكتبة الزهراء - الموصل - 1404 - 1983، الطبعة: الثانية، تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي، ج 5، ص 166، ح

4971

پیغمبر دیگر چکار کند؟! به تعبیر حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها):

«وَهَلْ تَرَكَ أَبِي يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ لِأَحَدٍ عُدْرًا»

آیا پدرم روز غدیر خم برای کسی عذری باقی گذاشت؟

الخصال، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج 1، ص 173، ح

228

همچنین «هیثمی» در کتاب «مجمع الزوائد» جلد نهم صفحه 164 روایتی از قول «زید بن أرقم» می‌آورد که او قضیه غدیر را مطرح می‌کند و در آخر می‌گوید که پیغمبر فرمود:

«فلا تقدموهما فتهلكوا»

از کتاب و عترت جلو نیفتید که هلاک خواهید شد.

«ولا تقصروا عنهما فتهلكوا»

از کتاب و عترت عقب نمانید که هلاک خواهید شد.

«ولا تعلموهما فهم أعلم منكم»

چیزی به آنها یاد ندهید که آنها از شما اعلم هستند.

مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، اسم المؤلف: علی بن أبی بکر الهیثمی، دار النشر: دار الریان للتراث/دار  
الکتاب العربی - القاهرة، بیروت - 1407، ج 9، ص 164، باب فی فضل أهل البيت رضی الله عنهم

«ابن تیمیه» و دیگران که ادعا می‌کنند صحابه دیگر اعلم بودند، حرف‌های باطلی است. ان شاءالله ما در رابطه  
با بحث اعلمیت امیرالمؤمنین مطالبی خواهیم آورد.

«ابن عباس» را همگان قبول دارند. ایشان «حبر الأمة» و مفسر قرآن کریم بود. ایشان می‌گوید:

«ما علمي وعلم أصحاب محمّد في علم علي إلا كقطرة في سبعة أبحر»

علم من و علم تمام صحابه در برابر علم علی بن أبی طالب همانند یک قطره در برابر دریاست!

یا می‌گوید:

«وَاللّٰهُ لَقَدْ اَعْطٰ عَلِيَّ ابْنَ اَبِي طَالِبٍ تِسْعَةَ اَعْشَارِ الْعِلْمِ، وَاَيْمُ اللّٰهِ لَقَدْ شَارَكْتُمْ فِي الْعَشْرِ الْعَاشِرِ»

نود قسمت علم نصیب علی بن أبی طالب شده است و غیر از حضرت کسی از آن بهره ندارد. در آن ده  
قسمت بعدی که میان دیگر مردم است، علی بن أبی طالب هم در آن سهیم است.

الاستيعاب في معرفة الأصحاب، اسم المؤلف: يوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر، دار النشر: دار

الجيل - بيروت - 1412، الطبعة: الأولى، تحقيق: علي محمد البجاوي؛ ج 3، ص 1104، باب علی

این تعبیر را از «عبدالله بن مسعود» هم داریم. همچنین زمانی که از عایشه در رابطه با بحث صوم سؤال می‌کنند، او می‌گوید که از علی بن ابی طالب سؤال کنید؛

« إِنَّهُ لَأَعْلَمُ النَّاسَ بِالسُّنَّةِ »

علی به سنت از همگان اعلم است.

الاستيعاب في معرفة الأصحاب، اسم المؤلف: يوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر، دار النشر: دار

الجيل - بيروت - 1412، الطبعة: الأولى، تحقيق: علي محمد البجاوي؛ ج 3، ص 1104، باب علی

ما چنین روایتی از قول خلیفه دوم و دیگران هم داریم. بحث اعلمیت اهل بیت (علیهم السلام) بحث پیش پا افتاده‌ای نیست. قدری انصاف داشته باشیم.

این کتب، کتاب‌های شیعه نیست بلکه کتاب‌های مهم اهل سنت است. همچنین در کتاب «الصواعق المحرقة» هم وارد شده است:

«فلا تقدموهما فتهلكوا ولا تقصروا عنهما فتهلكوا ولا تعلموهم فإنهم أعلم منكم»

الصواعق المحرقة علی أهل الرفض والضلال والزندقة، اسم المؤلف: أبو العباس أحمد بن محمد بن علی

ابن حجر الهيثمی، دار النشر: مؤسسة الرسالة - لبنان - 1417 هـ - 1997 م، الطبعة: الأولى، تحقيق:

عبد الرحمن بن عبد الله التركي - كامل محمد الخراط، ج 2، ص 439، الفصل الأول فی الآيات الواردة

فيهم

اگر این عبارت را «فَتَهْلِكُوا» بخوانیم، به معنای این است که هلاک گردیده می‌شوید. مراد از فرمایش رسول گرامی اسلام این است که جلو افتادن‌ها و عقب ماندن‌ها، شما را هلاک می‌کند و باعث هلاکت می‌شود.

همچنین حضرت فرمود جلو نیفتید و عقب نمازید که هلاک می‌شوید. بنده خواستم «فَتَهْلَكُوا» و «فَتَهْلَكُوا» هردو را معنا کنم تا بعضی از مُلا لغتی‌ها در فضای مجازی ادعاهایی نکنند.

### مراد از «علی بن الحسین» در «زیارت عاشورا» کیست!؟

ما چند شب پیش بحثی داشتیم و من گفته بودم مراد از «علی بن الحسین» در «زیارت عاشورا»، «حضرت علی اکبر» است.

بعد از آن مشاهده کردیم که در فضای مجازی عده‌ای اعتراض کرده بودند که شما از کجا گفتید که مراد از «علی بن الحسین» حضرت علی اکبر است. مراد امام سجاد است!!

اگر شما قدری فکرتان را به کار بیندازید، می‌بینید که «زیارت عاشورا» متعلق به شهدای کربلاست. «امام سجاد» در کربلا شهید نشدند، بلکه کسی که در کربلا به شهادت رسید «حضرت علی اکبر» است.

امام حسین سه پسر به نام‌های «علی» داشتند؛ حضرت علی اکبر، حضرت علی اوسط، حضرت علی اصغر. نام «علی اصغر» به نام «علی الرضیع» آمده است و در هرجایی که آمده به عنوان علی شیرخواره آمده است.

تمام فقهای ما از صدر اسلام تاکنون همگی اتفاق نظر دارند بر اینکه مراد از «علی بن الحسین» در «زیارت عاشورا»، «حضرت علی اکبر» است.

حتی این سؤال را از آیت الله شبیری زنجانی در سایتشان پرسیدند و ایشان هم همین پاسخ را مطرح کرده است. «مرحوم شیخ مفید» در کتاب «الإرشاد» و دیگر بزرگان ما همگی بر این عقیده هستند.

تمام کسانی که «زیارت عاشورا» را شرح کرده‌اند، بر این عقیده هستند. بنده گمان می‌کنم تاکنون بیش از بیست تن از شارحین «زیارت عاشورا» را سراغ دارم که همگی اتفاق نظر دارند مراد از «علی بن الحسین» حضرت علی اکبر هست، نه امام سجاد!!

حال بعضی ها عباراتی به کار می‌برند که اصلاً زبیده یک شیعه نیست. برادر من! قدری دقت کنید. ما که مسائلی را در اینجا قاطعانه می‌گوییم، حتماً اطلاعاتی داریم. چنین نیست که از پیش خودمان مطلبی را بگوییم.

مشاهده کنید کتابی به نام «الدر المنثور فی شرح زیارة العاشور» اثر «میرزا آقا تبریزی» وجود دارد که یکی از بهترین شرح‌های زیارت عاشوراست.

بنده به یاد دارم در سال 1351 که ما آن زمان در مدرسه فیضیه بودیم، من هر شب به مدت یک هفته به کتابخانه مدرسه فیضیه می‌رفتم و شرح زیارت عاشورا را از ابتدا تا انتها به دقت می‌خواندم و در گوشه کتابخانه اشک چشمم جاری می‌شد. این کتاب، کتاب بسیار خوبی است.

آنطور که بنده می‌دانم بیست نفر زیارت عاشورا را شرح کردند و همگی اتفاق نظر دارند که مراد از «علی بن الحسین» حضرت علی اکبر (علیه السلام) است. عرض کردم که زیارت عاشورا متعلق به شهدای کربلاست. در هر صورت...

همانطور که در روایات مشاهده کردید، رسول گرامی اسلام فرمودند: از کتاب و اهل بیت من، نه جلو بیفتید و نه، عقب بمانید. جلو افتادن‌ها و عقب ماندن‌ها شما را هلاک می‌کند که مصداق بارز «فَتَهْلِكُوا» است. اگر جلو بیفتید و عقب بمانید، هلاک می‌شوید که مصداق بارز «فَتَهْلِكُوا» است.

ما این قضیه را بسیار واضح بیان کردیم تا فردا افرادی نگویند که چرا شما «فَتَهْلِكُوا» را «فَتَهْلِكُوا» خواندید! البته در کتاب‌های شیعه که اعراب گذاری شده است، همگی «فَتَهْلِكُوا» آورده‌اند و بنده تنها در کتاب «معجم الکبیر» عبارت «فَتَهْلِكُوا» را دیدم.

این حدیث در کتاب‌های متعدد وارد شده است و بنده تنها به همین چند مورد اکتفا می‌کنم. عبارت «فَلَا تَقْدُمُوهُمْ فَتَهْلِكُوا وَلَا تَقْضُرُوا عَنْهُمْ فَتَهْلِكُوا» در منابع مختلف آمده است.

اهلبیت خط کش و میزان هستند؛ اگر کسی از این خط کش قدری به سمت راست یا چپ منحرف شود، بیراهه می‌رود. چنین شخصی اگر جلو بیفتد هم، بیراهه می‌رود و اگر عقب بماند هم، بیراهه می‌رود. جالب اینجاست که حضرت می‌فرماید:

«وَلَا تَعْلَمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَغْلَمُ مِنْكُمْ»

در مقام این نباشید که به اهلبیت چیزی یاد بدهید. وقتی امام حسین می‌خواست به کربلا برود، «عبدالله بن عمر» به خیال خود می‌خواست حضرت را نصیحت کند. همچنین بعضی از صحابه می‌خواستند حضرت را نصیحت کنند!!

**حفظ و سربلندی اسلام، نتیجه قیام و شهادت امام حسین (سلام الله علیه)**

هرچه شما می‌دانید امام حسین هم می‌داند. همچنین امام حسین چیزهایی هم می‌داند که شما نمی‌دانید. اگر قیام و شهادت امام حسین نبود، امروز ما آثاری از اسلام را نمی‌دیدیم.

یکی از دوستانم خیلی زیبا تحلیل کرد که خیلی خوشم آمد. بعضی از منبری‌ها ذوق‌های زیبایی دارند. دشمنان ما از جمله وهابیت، صهیونیسم و آمریکا چندین ماه علیه شیعه تبلیغ می‌کنند. یک مرتبه عاشورایی می‌آید و مردم به کوچه و خیابان و حسینیه و مساجد می‌ریزند و تمام بساطی که دشمنان در عرض چندین ماه بافته بودند را رشته می‌کنند.

**مجری:**

آبی بر آتش دشمن می‌ریزند.

## آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله. بازهم آنها شروع می‌کنند علیه شیعه و علیه مذهب تبلیغ می‌کنند. یک مرتبه اربعین می‌آید و بیست میلیون جمعیت برای زیارت امام حسین به کربلا می‌روند.

بازهم دشمنان به تبلیغ علیه شیعه می‌پردازند. یک مرتبه ایام «فاطمیه» می‌آید و مردم به عزاداری می‌پردازند. ایام «محرم» و «صفر» و «فاطمیه» هست که اسلام را زنده نگهداشته است.

یکی از سؤالاتی که عزیزان برای من فرستاده بودند، این بود که ما چرا عزاداری می‌کنیم و برای چه گریه می‌کنیم؟! بنده در جواب گفتم که همین گریه‌ها و همین عزاداری‌هاست که در طول این هزار و چهارصد سال اسلام را زنده نگهداشته است.

شما قدری نسبت به جمله‌ای که من گفتم فکر کنید. به رغم جو حاضر که در فضای مجازی و رسانه‌ها علیه شیعه درست کرده اند، اگر یک سال عزاداری‌ها و محرم و صفر و فاطمیه تعطیل شود می‌بینید که تمامی عقاید جوانان ما متزلزل می‌شود.

دشمنان به دنبال همین هستند که عقاید جوانان شیعه را متزلزل کنند. اگر عقیده متزلزل شد، مجبور است در برابر کدخدا ذلیل شود و هرچه او گفت را اطاعت کند.

مشاهده کنید کسانی که به آمریکا اعتماد کردند چه سرنوشتی پیدا کردند. جمهوری اسلامی که در برابر آمریکا ایستاد چه سرنوشتی پیدا کرد.

بنده یک مرتبه هم گفتم، یک شب با تعدادی از دانشجویان دانشگاه أم القری در پشت بام بیت الله الحرام جلسه‌ای داشتیم. یکی از آنها به صراحت مطلبی گفت که بنده فایل صوتی حرف ایشان را هنوز هم دارم.

بنده همان زمان حرف ایشان را نوشتم و به آیت الله ری شهری که مسئول بعثه مقام معظم رهبری بودند هم دادم.

این دانشجو می‌گفت: "شما به رهبرتان افتخار کنید که فریاد می‌زند آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند و ما هم بدبختانه رهبری داریم که به آمریکا می‌رود و با رئیس‌جمهور آمریکا شراب می‌خورد و به این شراب خوردن افتخار می‌کند. رهبران ما به نوکری آمریکا افتخار می‌کنند و رهبران شما به دشمنی با آمریکا افتخار می‌کنند."

بنده عرض کردم که کاری با بسیاری از مسائل ندارم. شاید حرف من برای بعضی از آقایان قدری سنگین باشد، اما گاهی اوقات که صحبت‌های این سید اولاد پیغمبر را می‌شنوم واقعاً احساس می‌کنم خون علی در رگ‌های ایشان در جریان است.

شجاعت علی گونه‌ای که مقام معظم رهبری در برابر آمریکا و صهیونیست نشان می‌دهد، چیز ساده‌ای نیست. مردم قدر نمی‌دانند و در این زمینه قدر شناسی می‌کنند که این شجاعت و این هیبت را نمی‌بینند.

مشاهده کنید دولت‌های منطقه همگی ذلیل شده‌اند. بنده کلیپی دیدم که شاید هم روزی در شبکه آن را پخش کنیم.

### **بدانید که روزی شما را برای محاکمه، به ایران بخواهند گرداند!!**

همین آقایان وهابی زمانی در شبکه‌های خودشان علیه صهیونیسم برنامه داشتند، اما امروز ادعا می‌کنند که قرآن می‌فرماید با یهود و اسرائیل دوست باشید و به آنها احسان کنید!! از طرف دیگر آقای «ملازاده» آن‌ها را مسخره کرده و آنها به جان هم افتادند.

این آقایان هر روز به رنگی درمی‌آیند و هر بادی از سمتی می‌وزد به آن سمت می‌روند. به نظر بنده شبکه‌های وهابی نهایت ذلتشان اینجاست که وقتی می‌بینند دولت امارات به آنها سرویس و خدمات می‌دهد، مجبورند بر خلاف قرآن کریم که می‌فرماید:



## (لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودُ)

بطور مسلم یهود و مشرکان را دشمنترین مردم نسبت به مؤمنان خواهی یافت.

سوره مائده (5): آیه 82

عمل کنند و آنها را توجیه کنند. این اوج ذلت این افراد است. بنده یک مرتبه هم گفتم و برای آنها هم سنگین بود، به طوری که کلیپ بنده را چندین مرتبه پخش کردند.

من گفتم: بدانید که روزی آمریکا و عربستان سعودی حمایت خود را از شما برمی دارد، شما را به اینجا می آورند و همانند «عبدالمالک ریگی» محاکمه می کنند!

شما هرچه باشید لنگه کفش «روح الله زم» نخواهید شد که دولت فرانسه آن همه بادیگارد برای او گذاشته بود، اما او را به اینجا آوردند.

امثال شما چندین جوجه وهابی که هر روز به یک طرف تمایل می کنید و شروع به حرف زدن نسبت به نظام و شیعه و اهل بیت و عزاداری می کنید، بدانید که روزی شما را برای محاکمه به ایران خواند برگرداند.

خواهیم دید که روزی آنها را به اینجا خواهند آورد و در رسانه های داخلی محاکمه می کنند و کلیپ هایشان را منتشر می کنند. ان شاء الله آن روز به زودی فرا خواهد رسید.

## (أَلَيْسَ الضُّبْحُ بِقَرِيبٍ)

آیا صبح نزدیک نیست؟!

سوره هود (11): آیه 81

هرکاری می خواهند انجام دهند.

(اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ)

هر چه می‌خواهید انجام دهید.

سوره فصلت (41): آیه 40

اما بدانند:

(إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ)

مسلماً پروردگار تو در کمینگاه است.

سوره فجر (89): آیه 14

و:

(إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنْتَقِمُونَ)

مسلماً ما از مجرمان انتقام خواهیم گرفت.

سوره سجده (32): آیه 22

شما همانند مگسی هستید که وقتی بالای درخت گردو رفته بود و می‌خواست پرواز کند، گفت: درخت مواظب باش از ریشه درنیایی که من می‌خواهم پرواز کنم. درخت گفت: من متوجه نشستن تو نشدم، چه رسد به اینکه می‌خواهی پرواز کنی!!

جمهوری اسلامی شما را عددی نمی‌داند، اما اگر روزی قرار شد به حسابتان برسند بدجور به حساب شما خواهد رسید!!

## مجری:

بسیارخوب، ان شاءالله که بتوانیم قدردان و قدرشناس نعمت‌هایی باشیم که در اختیار ما قرار داده شده است. یک میان برنامه می‌بینیم و ان شاءالله در خدمت شما خواهیم بود.

سلام مجدد عرض می‌کنم خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبکه جهانی حضرت ولی عصر». همه شمایی که تا این لحظه همراه و همگام با این برنامه وزین، برنامه «حبل المتین» بودید.

حاج آقا از محضرتان بسیار استفاده کردیم. سؤالات بسیار زیادی بود که ما می‌خواستیم مطرح کنیم، اما عزیزان هم سؤالاتی مطرح کردند که همواره همچنین امکانی برایشان هست.

اگر بینندگان قصد دارند با ما در ارتباط باشند می‌توانند با همین شماره‌هایی که زیرنویس شده است، از طریق صوتی یا پیامک یا هرکدام از راه‌های ارتباطی که خودشان ترجیح می‌دهند می‌توانند با برنامه خودشان ارتباط برقرار کنند.

## «امامت» و عصمت در آنها، اجباری است یا اختیاری؟!

حاج آقا بیننده‌ای به نام آقا جواد سؤال پرسیدند که امامت اجباری است یا اختیاری؟ عصمت اختیاری است یا اجباری؟ آیا شیطان می‌تواند امام معصوم را هم وسوسه کند یا خیر؟!

## آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ما معتقدیم «امامت» استمرار «نبوت» است. آقایان نبوت را چه می‌دانند؟ نبوت را اجباری می‌دانند یا اختیاری می‌دانند؟ خداوند عالم این خلایق را خلق کرده است. به تعبیر آقایان متکلمین، «قاعده لطف» اقتضا می‌کند که خداوند عالم برای هدایت بشر پیامبرانی بفرستد؛

## (لَيْلًا يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ)

تا برای مردم بعد از این پیامبران بر خدا حجتی باقی نماند.

سوره نساء (4): آیه 165

تا فردای قیامت مردم بهانه نیاورند و نگویند که حجت برای ما تمام نشده بود. همانطور که «رسالت» امری لازم و ضروری است، «امامت» هم لازم و ضروری است.

در خصوص اینکه آیا شیطان می‌تواند امام معصوم را وسوسه کند، پاسخ می‌دهیم که آیا شیطان می‌تواند پیامبران را وسوسه کند یا خیر؟! خداوند متعال در سوره مبارکه حج آیه 52 می‌فرماید:

(وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَ لَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنْسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُخَكِّمُ اللَّهُ آيَاتِهِ)

ما هیچ رسول و پیامبری را پیش از تو نفرستادیم مگر اینکه هر گاه آرزو می‌کرد (و طرحی برای پیش برد اهداف الهی خود می‌ریخت) شیطان القائاتی در آن می‌کرد، اما خداوند القائات شیطان را از میان می‌برد سپس آیات خود را استحکام می‌بخشید.

سوره حج (22): آیه 52

همین قضیه در مورد امام هم وجود دارد. اگر بنا باشد امام، اختیاری برای گناه کردن نداشته باشد، فایده‌ای ندارد.

در حال حاضر قلب ما می‌تپد و مجبور است بتپد. این قضیه اختیاری نیست که ما از قلب خود تشکر کنیم که چقدر می‌تپد.

ائمه اطهار (عليهم السلام) می‌توانستند گناه کنند، اما با این حال گناه نکردند. امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در نامه‌ای که به «عثمان بن حنیف» می‌نویسد، می‌فرماید:

«وَلَوْ شِئْتُ لَأَهْتَدَيْتُ الطَّرِيقَ إِلَى مُصَفَى هَذَا الْعَسَلِ وَ لُبَابِ هَذَا الْقَمْحِ وَ نَسَائِجِ هَذَا الْقَرْزِ»

اگر می‌خواستم به پالوده این عسل، و مغز این گندم، و بافته‌های این ابریشم راه می‌یافتم.

«وَ لَكِنْ هَيَّاتُ أَنْ يَغْلِيَنِي هَوَايَ وَ يَقُوْدَنِي جَشَعِي إِلَى تَخْيِيرِ الْأَطْعِمَةِ وَ لَعَلَّ بِالْحِجَازِ أَوْ الْيَمَامَةِ مَنْ لَا طَمَعَ لَهُ فِي الْقَرْزِ وَ لَا عَهْدَ لَهُ بِالشُّبْعِ»

ولی هیئات که هوای نفس بتواند بر من پیروز شود، و شدت حرص مرا به گزیدن خوراکیها برانگیزد، در حالی که شاید در حجاز یا یمامه کسی باشد که امید به قرص نانی نداشته باشد، و هیچ گاه يك شکم سیر غذا نخورده باشد.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص 417،

نامه 45

مجری:

آقا جواد سؤال پرسیده بودند که بسیار عالی و مستدل جواب را شنیدیم. سؤالات دیگری هم هست و البته عزیزی هم پشت خط هستند. ایشان را بیشتر از این منتظر نگذاریم. آقای «بهادری» از «کرج» در خدمت شما هستیم. سلام علیکم و رحمة الله؛

تماس بینندگان برنامه:

بیننده (آقای بهادری از کرج - شیعه):

علیکم السلام و رحمة الله. سلام مجدد دارم خدمت حضرت آیت الله حسینی قزوینی و همچنین شما عزیز دوست داشتنی.

### حقایق از نبرد امیرالمؤمنین با اصحاب جمل و صفین و نهران!

در کتاب «کنز العمال» خبر 3649 - 31552 و 31553 و «ابن عساکر» در کتاب «تاریخ دمشق» روایتی را از صد و پنجاه منبع اهل سنت از رسول گرامی اسلام نقل کردند که حضرت علی بن ابی طالب فرمودند: من از طرف رسول خدا مأمور به قتال «ناکثین» و «قاسطین» و «مارقین» هستم و مأمورم که با آنها بجنگم.

همچنین در سیزده روایت آمده است که رسول گرامی اسلام فرمودند: «أَنْتِي حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ»، به این معنا که ای علی! جنگ با تو، جنگ با من است.

سؤالی که من از آقایان وهابی دارم این است که چرا کسانی که با امیرالمؤمنین جنگیدند، از نظر شما همگی «رضی الله عنه» شدند؟! این قضیه به چه معناست؟! شعار مارقین «لا الحکم إلا بالله» بود. پایه گذار این شعار خلیفه دوم بود که گفت:

«حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ»

الجامع الصحیح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، دار النشر: دار ابن کثیر، الیمامة - بیروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا، ج 4، ص 1612، ح 4169

به امر رسول خدا این سه طایفه اهل دوزخ هستند، زیرا با امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) که خلیفه زمان بود جنگ کردند. چرا شما به این افراد «رضی الله عنه» می گوئید؟!

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که آقایان وهابی! شما طرفدار این سه طایفه هستید یا طرفدار رسول گرامی اسلام هستید؟! شما می‌گویید صحابه بودند و اجتهاد کردند، اما خطا کردند.

سؤال من این است که امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) «فاروق اعظم» و «صدیق اکبر» با رأی عموم مردم به خلافت رسیدند که رأی اجتماعی داشتند و خلیفه پیغمبر اکرم هم بودند. اگر کسی با خلیفه مسلمین بجنگد، در آنجا اجتهاد شخصی مشروعیت دارد؟

کسی می‌گوید که من اجتهاد شخصی کردم تا با امام مسلمین بجنگم. خودتان نوشتید که اگر امام مسلمین جاهل باشد، حق جنگ با او را ندارید.

«نووی» گفت: اگر سفاک‌ترین انسان، حاکم مسلمین شد، شما جز اطاعت از او حقی ندارید.

چطور شد با عادل‌ترین حاکم که «علی بن ابی طالب» بود جنگیدید؟ اگر راست می‌گویید در «شبهه حضرت ولی عصر» روی خط بیاوید و به بنده جواب بدهید.

من یک شیعه هستم، عالم هم نیستم بلکه یک انسان عادی هستم. به من جواب بدهید. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

### **آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

عالم نیستید، اما هنرمند هستید. ماشاءالله! مردم حضرتعالی را می‌شناسند و یک چهره شناخته شده دنیای هنری هستید. من از شما تشکر می‌کنم.

ایشان این قضیه را از کتاب «متقی هندی» نقل کردند و ممکن است آقایان ادعا کنند که «متقی هندی» اعتبار چندانی ندارد. جناب آقای «بهادری»! یادداشت بفرمایید که در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» جلد 3 صفحه 150 با سند صحیح نقل می‌کند:

## «أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ بِقِتَالِ النَّاكِثِينَ وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج 3، ص 150، ح 4674

همچنین در کتاب «مجمع الزوائد» اثر «هیثمی» وارد شده است:

### « وعن علي قال: عهد إلى رسول الله في قتال الناكثين والقاسطين والمارقين »

او سپس می نویسد:

### «فذكره رواه البزار والطبرانی فی الأوسط وأحد إسنادی البزار رجاله رجال الصحيح»

این روایت را بزار و طبرانی در کتاب اوسط نقل کرده است و رجال یکی از سندهای بزار صحیح است.

مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، اسم المؤلف: علی بن أبی بکر الهیثمی، دار النشر: دار الریان للتراث/دار الكتاب العربی - القاهرة، بیروت - 1407، ج 7، ص 238، باب فیما کان بینهم یوم صفین رضی الله عنهم

این روایت را کتابهای متعدد دیگری آورده اند و با سندهای صحیح نقل کردند. این آقایان به دنبال این هستند که بگویند «ناکثین» و «قاسطین» و «مارقین» برای صلح دادن به آنجا رفته بودند!!

من از این افراد سؤال کردم که وقتی برای صلح دادن رفته بودند، میخواستند بین چه کسانی صلح برقرار کنند؟! طرفین در بصره چه کسانی بودند و دعوا سر چه کسی بود؟!

«عثمان» را در مدینه کشتند. آیا خود صحابه عثمان را کشتند؟! «طلحه» یکی از صحابه است. «عایشه» یکی دیگر از محرکین است. مردم که از مصر آمده بودند، حال چرا در بصره رفتند و به دنبال صلح بودند؟!



بنده روایتی را از کتاب «مصنف ابن ابی شیبہ» خدمت جناب آقای «بهادری» بزرگوار بیاورم. «ابن ابی شیبہ» استاد «بخاری» و متوفای سال 235 هجری است. راوی می‌گوید: من بعد از قتل عثمان نزد عایشه رفتم و گفتم:

«من تَأْمُرِينِي بِهِ أَنْ أَبَايَعُ»

دستور می‌دهید با چه کسی بیعت کنم؟

«فَقَالَتْ عَلِيَا»

عایشه گفت: با علی بیعت کن.

نزد «طلحه» رفتم و پرسیدم: با چه کسی بیعت کنم؟ او گفت: با علی بیعت کن. نزد «زبیر» رفتم و گفتم: با چه کسی بیعت کنم؟ او گفت: با علی بیعت کن.

«ثُمَّ رَجَعْتُ إِلَى الْبَصْرَةِ وَ لَا أَرَى إِلَّا أَنَّ الْأَمْرَ قَدْ اسْتَقَامَ»

سپس به بصره برگشتم و دیدم قضیه بهم ریخته است. شخصی از طرف عایشه آمد و گفت: عایشه و طلحه و زبیر در جانب «خریبه» دنبال تو هستند و خواستند که به آنجا بیایی. وقتی پرسیدم برای چه باید بیایم، گفتند: ما می‌خواهیم با علی قتال کنیم. رفتم پیش «عایشه» و گفتم:

«يَا أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ أَنْشُدُكَ بِاللَّهِ هَلْ قُلْتَ لَكَ مِنْ تَأْمُرِينِي بِهِ فَقُلْتَ عَلِيَا فَقُلْتَ تَأْمُرِينِي بِهِ وَتَرْضِيَنَّهُ لِي»

یا ام المؤمنین تو را به خدا سوگند من از شما پرسیدم با چه کسی بیعت کنم و شما گفتید که با علی بیعت کن.

«فَقُلْتُ نَعَمْ. قَالَتْ نَعَمْ وَلَكِنَّهُ بَدَّلَ»

عایشه گفت: بله من به تو گفتم با علی بیعت کن. او انسان خوبی بود، اما تغییر کرد.

«قُلْتُ يَا زُبَيْرُ يَا حَوَارِيَ رَسُولَ اللَّهِ يَا طَلْحَةَ نَشَدْتُكُمْ بِاللَّهِ أَقَلَّتْ لَكُمْ مِنْ تَأْمُرَانِي بِهِ فَقُلْتُمْ عَلِيًّا فَقُلْتُ تَأْمُرَانِي بِهِ وَتَرْضِيَانِي لِي فَقُلْتُمْ نَعَمْ قَالَا بَلَى وَلَكِنَّهُ بَدَّلَ»

سپس گفتم: یا زبیر یا حواری رسول الله و یا طلحه! شما را به خدا سوگند که من پرسیدم با چه کسی بیعت کنم و شما گفتید که با علی بیعت کن. گفتند: بله علی انسان خوبی بود، اما تغییر کرد.

الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة الكوفي، دار النشر: مكتبة الرشد - الرياض - 1409، الطبعة: الأولى، تحقيق: كمال يوسف الحوت، ج 7، ص 540، ح 37798

مشاهده کنید که می گویند علی بن ابی طالب خراب شد! جالب اینجاست که در کتاب «تاریخ طبری» جلد سوم وارد شده است که در مکه «یعلی بن أمیه» مال کثیری به آنها داد:

«فقالوا نسیر إلى علی فنقاتله»

گفتند: ما می خواهیم برویم با علی قتال کنیم.

تاریخ الطبری، اسم المؤلف: لأبی جعفر محمد بن جریر الطبری، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، ج 3، ص 9، باب ثم دخلت سنة إحدى وتسعين ذکر ما كان فيها

مراد ایشان این نبود که صلح کنیم. طبق فرمایش ایشان، اجتهاد کردند، اما اجتهاد در برابر نص؟!

ما پنجاه روایت به شما نشان بدهیم که پیغمبر اکرم به امیرالمؤمنین فرمودند که شما مأمور هستید با «ناکثین» و «قاسطین» و «مارقین» یا اصحاب «جمل» و اصحاب «صفین» و اصحاب «نهروان» جنگ کنید!!

آیا وقتی پیغمبر اکرم دستور می‌دهد، حضرت می‌تواند در برابر دستور رسول الله سربلچی کند؟! به عنوان مثال وقتی خداوند فرمود نماز بخوانید، می‌توانیم بگوییم که من می‌خواهم اجتهاد کنم و نماز نخوانم؟!

**مجری:**

بسیار خوب. از آقای بهادری هم بسیار تشکر می‌کنیم که با این سؤال بجا از وهابیت این مطلع را هم باز کردند تا از محضر بیانات استاد بزرگوار استفاده کنیم.

با اینکه وقت بسیار محدود است، آقا احمد از آذربایجان شرقی پشت خط هستند. سلام علیکم، در خدمت شما هستیم:

**بیننده (آقا احمد از آذربایجان - شیعه):**

عرض سلام و خسته نباشید. از محضر استاد آیت الله قزوینی چند سؤال داشتم. سؤال اول من در خصوص فرمایشات ایشان در یکی از برنامه‌هایشان در «شبکه جهانی ولایت» بود.

استاد فرمودند که امام رضا در مناظرات خود با اهل سنت به آیه 130 سوره صفات استناد کردند و فرمودند که خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَس».

بنده رفتم و در تفاسیر علمای خودمان از جمله «تفسیر نمونه» و «تفسیر المیزان» و «تفسیر نور» جستجو کردم، اما همه آنها نوشته بودند احتمال «آل یس» قوی‌تر از «ال یس» است.

بنده می‌خواستم از یک طرف بفهمم که کدام آنها درست است. اگر «آل یس» درست باشد که «تفسیر نمونه» و «تفسیر المیزان» و دیگر تفسیرها زیر سؤال می‌روند. همچنین اگر «ال یس» درست باشد که حرف امام رضا

زیر سؤال می‌رود.

سؤال دیگر من این بود که حضرت علی (علیه السلام) در کتاب «نهج البلاغه» می‌فرمایند: کمتر از بیست سال داشتم که شمشیر به دست گرفتم.

بنده می‌خواستم بگویم که تمام جنگ‌هایی که ما از پیغمبر اکرم در جنگ با کفار شنیدیم، بعد از هجرتشان بوده است. بعد از هجرت رسول الله، حضرت علی بیش از بیست و سه سال داشتند.

بنده در نهایت پیشنهادی خدمت استاد بزرگوار داشتم و آن این بود که ما جوانان امروز در رسانه‌ها می‌بینیم که مطالب ضد اسلامی بیشتر بر علیه اصل اسلام است، یعنی بیشتر بر علیه قرآن کریم و نبوت و اصول اسلام است.

درست است زمینه شبهات وهابیت هم بسیار زیاد است، اما ما جوانان بیشتر با شبهاتی روبرو هستیم که بر ضد اسلام مطرح می‌شود. بنده از استاد بزرگوار می‌خواستم در صورت امکان برنامه‌هایی در این مورد هم داشته باشند. خیلی ممنونم

**مجری:**

آقا احمد از آذربایجان شرقی از تماس شما بسیار ممنونم.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

آقا احمد بنده این عبارت را از کتاب «صحیح بخاری» جلد سوم صفحه 1264 نشان دادم که «ابن عباس» می‌گوید:

**«وَأَلُّ عِمْرَانَ الْمُؤْمِنُونَ مِنْ آلِ إِبْرَاهِيمَ وَآلِ عِمْرَانَ وَآلِ يَاسِينَ وَآلِ مُحَمَّدٍ»**

سپس می‌نویسد:

**«يَقُولُ (إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لِلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ)»**

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 3، ص 1264، باب 45

در کتاب «کافی» هم از امام باقر (علیه السلام) روایتی نقل شده است که حضرت می‌فرماید:

«إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لِلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَ هَذَا النَّبِيُّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا»

در این روایات هم «آلِ يَاسِينَ» آمده است و هم «ال يَاسِينَ» آمده است. ما در مقام احتجاج می‌گوییم که در کتاب «صحيح بخاری» عبارت «آلِ يَاسِينَ» آمده است. شما چه جوابی می‌دهید؟!

ما از باب جدل و قاعده الزام می‌گوییم که شما چه می‌فرمایید؟ «ال يَاسِينَ» و «آلِ يَاسِينَ» هر دو آمده است، اما ما روایات متعددی هم داریم که مراد این است. در کتاب «کافی» جلد اول صفحه 416 وارد شده است که ایشان می‌گویند:

«هُمْ الْأَيْمَةُ ع وَ مَنْ اتَّبَعَهُمْ»

الكافي، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 1، ص 416، ح 20

سؤال دومشان در رابطه با جنگ‌های حضرت بود. امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در زمانی که رسول گرامی اسلام در مکه بودند، همواره مدافع رسول اکرم بودند. امیرالمؤمنین در تمام مراحل چه قبل از نبوتشان و چه بعد از نبوتشان با پیغمبر اکرم بودند.

وقتی حضرت می‌فرماید که من در بیست سالگی شمشیر به دست گرفتم، به این معنا نیست که با کفار جنگیدم. مراد حضرت این بود که آشنایی من با فنون جنگی، قبل از بیست سالگی بوده است.

چنین نبود که وقتی پیغمبر اکرم مبعوث شد یا به مدینه آمد و جنگ‌ها شروع شد، شمشیر به دست گرفته باشند.

وقتی رسول گرامی اسلام به نبوت مبعوث شدند، امیرالمؤمنین سیزده ساله بودند. یکی از صفات امیرالمؤمنین «قالی الآذان» به معنای "کننده گوش‌ها" است.

امیرالمؤمنین نوجوان بود و هنوز به بیست سالگی هم نرسیده بود که وقتی پیغمبر اکرم در کوچه‌ها تردد می‌کرد بچه‌های مشرکین به رسول الله سنگ می‌زدند یا زباله زیر پای پیغمبر اکرم می‌انداختند.

امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) گوش بچه‌های کفار را می‌کشید و آنها را بالا نگه می‌داشتند. به همین خاطر وقتی بچه‌های کفار علی بن ابی طالب را می‌دیدند، می‌گفتند: «جاء قالی الآذان»؛ کسی که گوش‌ها را می‌کند آمد!!

چنین نیست که امیرالمؤمنین تنها در جنگ‌ها شمشیر به دست گرفته باشد. حضرت از ابتدای نوجوانی از رسول گرامی اسلام دفاع می‌کرد.

وقتی حضرت می‌فرماید که من قبل از بیست سالگی شمشیر به دست گرفتم، به این معناست که من در اوایل نوجوانی به تمامی فنون جنگی آشنا بودم. چنین نیست که بعد از هجرت پیغمبر اکرم شمشیر به دست گرفته باشم!

همچنین در خصوص درخواست حضرتعالی ما خودمان هم دغدغه داریم. ما قطعاً در رابطه با افرادی که نسبت به قرآن و اسلام شبهاتی دارند برنامه خواهیم گذاشت.

من هم به دوستان و مسئولین واحد علمی اصرار کردم که یکی از شب‌های هفته را به شبهات معاندین و ملحدین و آتئیست‌ها اختصاص بدهید. آن‌ها در فضای مجازی شبهاتی را مطرح می‌کنند.

البته الحمد لله رب العالمين وقتی بعضی از سایتها را مشاهده می‌کنیم، می‌بینیم که بچه شیعه‌های ما از عهده معاندین و ملحدین خیلی خوب برمی‌آیند و عالی جواب می‌دهند.

البته بنده بعضی از کانالها و گروه‌هایی که در این زمینه خوب کار کردند را به عزیزان نشان می‌دهم که ببینند بچه شیعه‌های ما چقدر خوب جواب می‌دهند.

این افراد عددی نیستند که مشکل جدی ما باشند. اگر ما خودمان هم ورود پیدا نکنیم، بچه شیعه‌ها از عهده این افراد برمی‌آیند.

### مجری:

بسیار خوب، از محضرتان تشکر می‌کنیم. اگر کلام خاصی نیست، خداحافظی کنیم. خیلی تشکر می‌کنیم از همه شما که تا این لحظه با برنامه خودتان برنامه «حبل المتین» همراه بودید.

ان شاءالله از شب‌های آینده هم برنامه‌های زنده «شبکه جهانی حضرت ولی عصر» را رأس ساعت 9 پیگیری بفرمایید.

اللهم اجعل محیانا محیا محمد و آل محمد اللهم اجعل مماتنا ممات محمد و آل محمد اللهم صل علی محمد و آل محمد

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته